

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۵۶

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادت‌ی

مقدمه

در درس قبل بیان شد که مادهٔ امر، دلالت بر طلب و جویی دارد. در این درس، ابتدا دلالت صیغهٔ امر مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا صیغهٔ امر نیز همانند مادهٔ امر، دلالت بر نسبت طلبیه و جویی دارد یا بر نسبت طلبیهٔ استحبابی دلالت دارد. در ادامه، معانی محتمله دیگری برای امر - در برخی از موارد خاص - بیان می‌گردد که شهید صدر به بررسی هر یک از مدلول تصویری و تصدیقی امر در این موارد خاص می‌پردازند.

یکی از معانی احتمالی برای ماده و صیغهٔ امر، دلالت بر نفی تحریم است که در مورد امر عقیب حظر و در امر در حالت توهّم حظر احتمال می‌رود. در این درس بیان خواهد شد که مدلول تصویری امر در این موارد تغییر نمی‌کند، اما مدلول تصدیقی امر، مجمل و مردد بین وجوب و نفی تحریم می‌گردد. دو معنای محتمل دیگر برای امر در درس آینده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

متن درس

[ثُمَّ إِنَّ الظَّاهِرَ مِنَ الصِّيغَةِ أَنَّ المدلولَ التصديقيَّ الجدِّيَّ هو الطلبُ دونَ سائرِ الدواعي الأخرى ...]
و كما أنَّ المعروفَ في دلالةِ مادَّةِ الأمرِ على الطلبِ أنَّها تدلُّ على الطلبِ الوجوبيِّ، كذلك الحالُ في صيغةِ الأمرِ، بمعنى أنَّها تدلُّ على النسبةِ الإرساليةِ الحاصلةِ من إرادةٍ لزوميةٍ، وهذا هو الصحيحُ؛ للتبادرِ بحسبِ الفهمِ العرفيِّ العامِّ.
و كثيراً ما يُستعملُ غيرُ فعلِ الأمرِ مِنَ الأفعالِ في إفادةِ الطلبِ، إمَّا بإدخالِ لامِ الأمرِ عليه، فيكونُ الاستعمالُ بلا عنايةٍ و إمَّا بدونِ إدخاله، كما إذا قيل: «يُعِيد» و «يغتسل»، و يشتملُ الاستعمالُ حينئذٍ على عنايةٍ؛ لأنَّ الجملةَ حينئذٍ خبريةٌ بطبيعتها. و قد استُعملتْ في مقامِ الطلبِ. و في الأوَّلِ يدلُّ الوجوبُ بنحوِ دلالةِ الصيغةِ عليه، و في الثاني يوجدُ خلافٌ في الدلالةِ على الوجوبِ، و يأتي الكلامُ عن ذلك في حلقةٍ مقبلةٍ إن شاء اللهُ تعالى.

دلالات أخرى للأمر

عرفنا أنَّ الأمرَ يدلُّ على الطلبِ و يدلُّ على أنَّ الطلبَ على نحوِ الوجوبِ. و هناك دلالاتٌ أخرى محتملةٌ وقعَ البحثُ عن ثبوتها له و عدمه:

منها: دلالتُه على نفيِ الحرمةِ بدلاً عن دلالتِه على الطلبِ و الوجوبِ في حالةٍ معيَّنةٍ، و هي ما إذا وردَ عقيبَ التحريمِ أو في حالةٍ يحتملُ فيها ذلك.

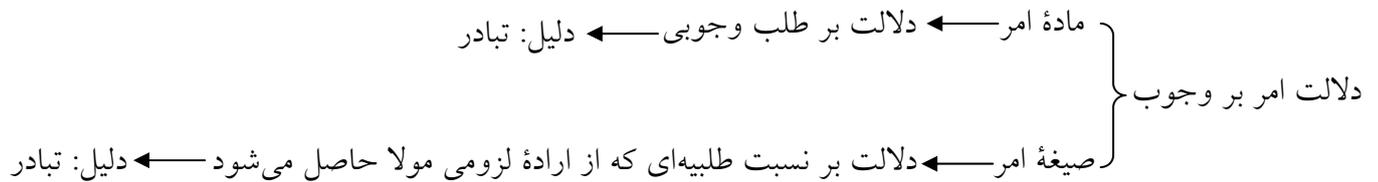
و الصحيحُ أنَّ صيغةَ الأمرِ على مستوى المدلولِ التصوريِّ لا تتغيَّرُ دلالتها في هذه الحالةِ، بل تظلُّ دالَّةً على النسبةِ الطلبيةِ، غيرَ أنَّ مدلولها التصديقيَّ هنا يصبحُ مجملاً و مردداً بين الطلبِ الجدِّيِّ و بين نفيِ التحريمِ، لأنَّ ورودَ الأمرِ في إحدى الحالتينِ المذكورتينِ يوجبُ الإجمالَ من هذه الناحيةِ.

دلالت صیغه امر بر نسبت طلبیه وجوبی

در مباحث گذشته ثابت کردیم که ماده امر دلالت بر طلب وجوبی دارد، نه طلب اعم از وجوبی و استحبابی؛ وجوهی نیز برای آن بیان نمودیم که کامل‌ترین وجه، دلیل تبادر عرفی بود. حال همین بحث در مورد صیغه امر نیز مطرح است و شهید صدر(ره) می‌فرمایند: بعد از این که ثابت کردیم صیغه امر، دال بر نسبت طلبیه است، می‌گوییم این نسبت طلبیه که مدلول صیغه امر است، نسبت طلبیه الزامی و وجوبی می‌باشد، نه نسبت طلبیه اعم از وجوبی و استحبابی.

دلیل: متبادر از صیغه امر، نسبت طلبیه‌ای است که از اراده لزومیه مولا ناشی می‌شود؛ زیرا در عرف عام، کسی که با امر مولا^۱ مخالفت می‌کند، با این توجیه که وجوب را از امر مولا نفهمیده است، عاصی و مستحق مذمت و عقاب دانسته می‌شود، در حالی که اگر عرف، صیغه امر را دال بر نسبت طلبیه وجوبیه نداند، این شخص را عاصی و مستحق عقاب نمی‌دانست. پس تبادر، علامت وضع و معنای حقیقی می‌باشد.

FG



تطبيق

و كما أن المعروف في دلالة مادة الأمر على الطلب أنها تدلُّ على الطلب الوجوبی،

همان‌طور که معروف در مورد دلالت ماده امر بر طلب این است که (ماده امر) دلالت طلب وجوبی دارد

كذلك الحال في صيغة الأمر

حال صیغه امر نیز این چنین است (یعنی معروف درباره صیغه امر این است که دلالت بر نسبت ارسالیه وجوبی می‌کند)

بمعنی أنها تدلُّ على النسبة الإرسالية الحاصلة من إرادة لزومية^۳، وهذا هو الصحيح؛ للتبادر بحسب الفهم العرفی العام. به این معنا که صیغه امر بر نسبت طلبیه و ارسالیه‌ای که از اراده لزومی مولا حاصل می‌شود، دلالت می‌کند و همین قول (معروف) صحیح می‌باشد، به سبب تبادری که به حسب فهم عرفی عام وجود دارد.

Sco۱: ۰۴:۴۱

^۱ در زمانی که مولا این امر را با صیغه انشاء نماید.

^۲ مشارألیه: دلالة مادة الامر على الطلب الوجوبی.

^۳ یعنی: شوق اکید و شدید امر.

^۴ مشارألیه: دلالة صيغة الامر على النسبة الإرسالية الحاصلة من إرادة لزومية.

دلالت صیغه افعال غیر امر، بر طلب وجوبی

غیر فعل امر، افعال دیگری مانند فعل مضارع و ماضی نیز دلالت بر طلب لزومی می‌کند. فعل مضارع گاهی با ورود لام امر بر آن، دلالت بر طلب لزومی می‌کند که در این صورت، استعمال فعل مضارع در افاده طلب، حقیقی بوده و بدون عنایت و مجازگویی می‌باشد.

گاهی نیز فعل مضارع، بدون ورود لام امر بر آن، دلالت بر طلب لزومی می‌کند. مثلاً وقتی از امام (ع) در مورد حکم نماز کسی که تکبیرة الاحرام را نسیاناً ترک کرده است، سؤال می‌شود، حضرت می‌فرماید: «یعیّد صلاته» که این فعل مضارع برای دلالت بر طلب لزومی، نیاز به یک عنایت خاص دارد.

دلیل: این فعل به خودی خود یک جمله خبریه می‌باشد که در مقام انشاء استعمال شده است و واضح است که استعمال إخبار در مقام انشاء، استعمال صیغه، در غیر موضوع^۱ می‌باشد؛ لذا این استعمال، مجازی بوده و نیاز به عنایتی خاص برای این استعمال داریم.

در دلالت فعل مضارعی که لام امر بر آن وارد شده است، بر طلب لزومی و وجوبی، هیچ اشکالی وجود ندارد، لکن در دلالت فعل بدون لام امر - که صیغه امر هم ندارد - بر طلب وجوبی، اختلاف وجود دارد که این اختلاف و قول حق در آن، در حلقه^۲ ثالثه بیان خواهد شد.

FG

اقسام دلالت فعل مضارع بر طلب وجوبی

الف) با ورود لام امر در ابتدای فعل مضارع ← دلالت بر طلب وجوبی بدون عنایت و مجاز.

ب) بدون ورود لام امر در ابتدای فعل مضارع ← دلالت بر طلب وجوبی با عنایت و مجاز.

تطبیق

و كثيراً ما يُستعمل غير فعل الامر من الأفعال في إفادة الطلب^۱، إمّا بإدخال لام الأمر عليه، فيكون الاستعمال بلا عناية در موارد بسیاری، افعال دیگری غیر از فعل امر، در افاده طلب استعمال می‌شوند؛ یا به داخل شدن لام امر بر آن که در این صورت استعمال (فعل مضارع در افاده طلب)، حقیقی و بدون عنایت و مجازگویی می‌باشد.

و إمّا بدون إدخاله^۲، كما إذا قيل: «يُعيّد» و «يغتسل»

و یا فعل مضارع یا ماضی، بدون ادخال لام امر، برای افاده طلب استعمال می‌شود؛ هم‌چنان که اگر (در جواب سؤال) گفته شود: «یعیّد» و یا «یغتسل»

و يشتمل الاستعمال حينئذ^۳ على عناية؛

^۱ متعلق جار و مجرور: يستعمل.

^۲ متعلق جار و مجرور: افاده.

^۳ متعلق جار و مجرور: افاده؛ مرجع ضمیر: لام الامر

^۴ یعنی: در این هنگام که بدون ادخال لام امر، فعل مضارع (و یا ماضی) برای افاده طلب استعمال می‌شود

که در این صورت استعمال فعل مضارع (یا ماضی) در افاده طلب، (مجازی و) با عنایت می‌باشد.

لأنَّ الجملةَ حينئذٍ خبريةٌ بطبيعتها. و قد استعملتُ في مقامِ الطلب.

زیرا جمله «یعیّد» و یا «یغتسل»، فی نفسه جمله خبریه‌ای است که در مقام طلب و انشاء استعمال شده است (و

معلوم است که استعمال جمله خبریه در مقام انشاء استعمال در غیر ما وضع له است)

و فی الأوّل^۱ يدلُّ الوجوبُ بنحوِ دلالةِ الصيغةِ عليه^۲، و فی الثانی^۳ يوجدُ خلافُ في الدلالةِ على الوجوب، و يأتي الكلامُ عن ذلك^۴ في حلقةٍ مقبلة^۵ إن شاء الله تعالى.

و فعل مضارعی که لام امر بر آن وارد شده است، همانند صیغه امر دلالت بر وجوب دارد. و در دلالت داشتن فعل

مضارعی که لام امر بر آن وارد نشده (و یا فعل ماضی) که در مقام طلب استعمال شده است، بر وجوب، اختلاف

وجود دارد که سخن در مورد این اختلاف در حلقة ثالثه إن شاء الله مطرح خواهد شد.

Sco2: ۱۳:۲۶

دلالات دیگر برای ماده و صیغه امر

در مبحث «امر» تا کنون چند مطلب را ثابت کردیم:

۱. ماده امر دلالت بر امر و جویی دارد.

۲. صیغه امر بر نسبت ارسالیه که ناشی از اراده الزامیه است، دلالت می‌کند.

اما گاهی می‌بینیم که در برخی از موارد، ماده و یا صیغه امر دلالت بر طلب و جویی نمی‌کند و یا این که در دلالتش بر وجوب، تردید وجود دارد؛ لذا سزاوار است که از دلالات دیگری که برای ماده و صیغه امر وجود دارد نیز بحث کنیم.

گاهی در ادله، امری وارد می‌شود که از آنها وجوب اراده نشده است، بلکه احتمال می‌رود که از آن معانی دیگری اراده شده باشد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

تطبيق

دلالات آخری للأمر

دلالت‌های دیگری برای امر

عرفنا أن الأمر يدلُّ على الطلبِ و يدلُّ على أن الطلبَ على نحوِ الوجوب. و هناك دلالاتٌ أخرى محتملةٌ وقع البحثُ عن ثبوتها^۱ له^۲ و عدمه^۳:

^۱ یعنی: فعل مضارع با لام امر.

^۲ مرجع ضمیر: وجوب.

^۳ یعنی: فعل مضارع بدون لام امر.

^۴ مشارالیه: خلاف.

^۵ آدرس: سید محمد باقر صدر(ره)، دروس فی علم الاصول، الحلقة الثالثة - القسم الاول، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

^۶ مرجع ضمیر: دلالات اخری.

دانستیم که امر، دلالت بر طلب می‌کند و (هم‌چنین) دلالت می‌کند که این طلب به نحو وجوبی است. و در این جا (یعنی در مورد ماده و صیغه امر) دلالت‌های دیگری نیز احتمال می‌رود که در ثبوت این دلالت‌ها برای امر و عدم ثبوت آن‌ها بحث و نزاع واقع شده است.

۱. احتمال دلالت امر بر نفی حرمت

گاهی احتمال می‌رود که امر به جای دلالت بر وجوب، دلالت بر نفی حرمت کند که این احتمال در دو جا وجود دارد:

الف) امر عقیب نهی و حظر

گاهی صیغه امر بعد از نهی واقع می‌شود، مانند قوله تعالی: «أحلت لكم بهيمة الانعام إلا ما يتلى عليكم غير محلی الصيد و انتم حرم^۳» که در این آیه، از صید در حال احرام نهی شده است. سپس در آیه بعدی می‌فرماید: «و إذا حللتم فاصطادوا» که در این آیه خداوند تبارک و تعالی امر می‌کند که بعد از خروج از احرام، صید نمایند؛ در حالی که در آیه قبل، نهی از صید در حالت احرام نموده است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که مراد از این امر به صید، آیا طلب وجوب صید بر شخصی است که از احرام خارج می‌شود، یا این امر بر اباحه و نفی تحریم دلالت دارد؟

ب) امر عقیب توهم حظر

گاهی صیغه امر بعد از توهم حظر و تحریم واقع می‌شود، مانند قول خداوند سبحان که می‌فرماید: «كلوا مما أمسكن^۴». این آیه در مورد حیوانی که سگ شکاری آن را گرفته است، نازل شده که برخی از اوقات این حیوان ممکن است که توسط سگ شکاری دریده شده و قبل از ذبح بمیرد؛ پس احتمال (توهم) حرمت خوردن این حیوان داده می‌شود؛ لذا این آیه که می‌فرماید: «از آنچه که سگان شکاری شکار می‌کنند، بخورید»، امر عقیب توهم حظر و تحریم می‌باشد که در این امر دو احتمال وجود دارد:

۱. وجوب اکل.

۲. جواز اکل.

حکم این دو حالت را در دو بخش مدلول تصویری و مدلول تصدیقی جدی دنبال می‌کنیم:

الف) مدلول تصویری: مدلول تصویری صیغه امر در این دو حالت، بر ظهور خودش که دلالت بر نسبت ارسالیه و طلبیه است، باقی می‌ماند.

دلیل: زیرا مدلول تصویری، تابع وضع است و به سبب عوامل خارجی تغییر نمی‌کند.

^۱ مرجع ضمیر: الامر.

^۲ مرجع ضمیر: ثبوتها له.

^۳ مائده، آیه ۲

^۴ مائده، آیه ۴

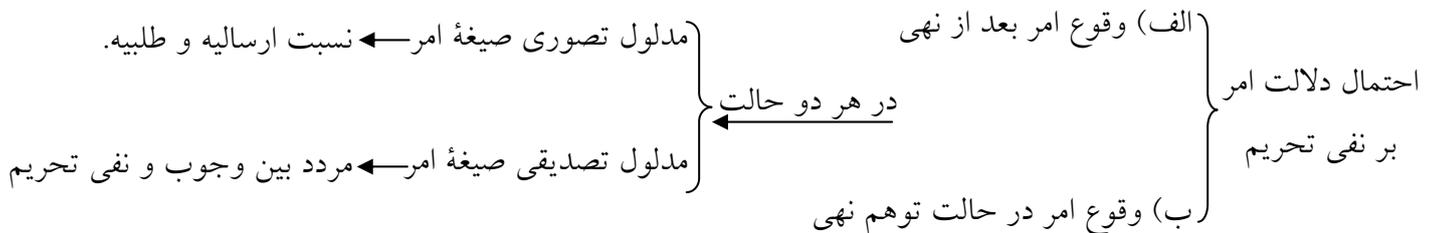
ب) مدلول تصدیقی جدی: در این دو حالت (ورود امر بعد از نهی و یا توهّم نهی و حرمت) مدلول تصدیقی مجمل می‌شود و نمی‌دانیم که استعمال کننده از استعمال این امر، اراده و جوب نموده یا فقط اراده رفع ممنوعیت و نفی تحریم داشته است.

دلیل: زیرا مدلول تصدیقی جدی، تابع سیاق و قرائن کلامی می‌باشد و توسط آن‌ها تغییر می‌کند.

نیاز به قرینه برای اثبات مراد جدی مولا

حال که در صورت ورود امر بعد از نهی و یا توهّم نهی، مدلول تصدیقی جدی کلام، مجمل و مردد بین وجوب و نفی تحریم می‌باشد، برای اثبات هر یک از این دو، نیاز به قرینه داریم؛ لکن گاهی گفته می‌شود نفس وقوع امر بعد از نهی و یا توهّم نهی، قرینه بر جوار و نفی تحریم می‌باشد که اگر این سخن را قبول نکنیم برای اثبات مدلول تصدیقی و خروج آن از حالت اجمال، باید قرینه دیگری پیدا کنیم.

FG



تطبيق

منها^۱: دلالت^۲ علی نفی الحرمة بدلاً عن دلالت^۳ علی الطلب و الوجوب فی حالة معینة، و هی^۴ ما إذا ورد^۵ عقیب التحريم أو فی حالة یحتمل فیها ذلك^۶.

یکی از دلالات محتمله امر، این است که امر به جای دلالت بر طلب و وجوب، در حالت مشخصی دلالت بر نفی حرمت بکند. آن حالت هنگامی است که امر بعد از تحریم یا حالتی که احتمال تحریم می‌رود، وارد شود.

و الصحیح أن صیغة الأمر علی مستوى المدلول التصوری لا تتغیر دلالتها فی هذه الحالة،

و صحیح این است که مدلول تصویری صیغه امر در این حالت تغییر نمی‌کند؛

بل تظل^۱ دالة علی النسبة الطلبية، غیر أن مدلولها^۲ التصدیقی هنا یصبح مجملاً و مردداً بین الطلب الجدی و بین نفی التحريم،

^۱ مرجع ضمیر: دلالات أخرى للأمر.

^۲ مرجع ضمیر: الأمر.

^۳ مرجع ضمیر: الأمر.

^۴ مرجع ضمیر: حالة معینة.

^۵ مرجع ضمیر فاعلی: الأمر.

^۶ مشارک: التحريم.

بلکه دلالت (تصوری) صیغه امر بر نسبت طلبیه، باقی است مگر این که مدلول تصدیقی صیغه امر، در این حالت مجمل و مردد بین طلب جدی و جویی و نفی تحریم، می‌گردد.

لأنَّ ورودَ الأمرِ فی إحدى الحالتینِ المذكورتینِ یوجبُ الإجمالَ من هذه الناحیه.

زیرا ورود امر در یکی از دو حالت ذکر شده (ورود امر بعد از نهی و یا در حالت توهم حرمت) موجب اجمال امر از ناحیه مدلول تصدیقی می‌شود.

Scor: ۲۷:۰۴

^۱ یعنی: باقی می‌ماند، ادامه پیدا می‌کند.

^۲ مرجع ضمیر: صیغه الأمر.

چکیده

۱. متبادر از صیغه امر، نسبت طلبیه‌ای است که از اراده لزومیه مولا ناشی می‌شود؛ لذا مدلول صیغه امر، نسبت طلبیه و جوبی می‌باشد.
۲. استعمال فعل مضارعی که لام امر بر آن وارد شده است، در طلب، حقیقی است.
۳. استعمال فعل مضارعی که لام امر بر آن وارد نشده است و فعل ماضی در طلب، مجازی است.
۴. در حالتی که امر، بعد از نهی و یا در حالتی که توهّم تحریم و نهی وجود دارد، وارد شود، مدلول تصویری امر به حال خودش باقی می‌ماند؛ یعنی امر، ظهور در همان نسبت طلبیه و ارسالیه دارد، اما مدلول تصدیقی جدی، مجمل و مردد بین وجوب و نفی تحریم می‌باشد.